



صدای قدم‌های کسی می‌آید...

کسی که مثل هیچکس نیست... او که باران از نگاهش بختندگی را وام دارد و زمین از سینه‌اش، رویاندن را...

صدای قدم‌های کسی می‌آید، او که واژه کلامش، آیه آیه آرامش است.

۱۱

باران در راه است



زندگی بشر از ابتدای خلقت به صورت اجتماعی بوده است. خداوند این شکل از زندگی را به عنوان عزیزه در وجود انسان به ودیعه گذاشته است؛ چون زمانی که خداوند آدم را آفرید، بسیار استغاثه کرد تا جفت شود. اما این زندگی اجتماعی از ابتدای پیدایش تاکنون دستاورد تغییرات بسیار گسترده‌ای بوده است که امروز شکل بنیادین آن احاطه‌ای شبکه‌های اجتماعی مانند اینترنت می‌باشد.

۵

آموزش بهداشت در خوابگاه

۴

## در سوگ دختران حوا



۲ رتبه «برگزیده» دانشگاه در جشنواره کشوری حرکت

۳ گاهی خلاف جهت آب شنا کن!

۶ گاوصندوق اسرار خود باشیم...

۷ مردگان متحرک

۸ دیپلمات زبل

۱۰ هدیه‌ی میهمانان خورشید کعبه به پیامبر مهربانی‌ها

۱۲ سوزهای چشمه

### بازدید خوابگاهی مسئول نهاد رهبری دانشگاه از خوابگاه دانشجویی کوثر

شده دانشجویان بود. مسئول نهاد رهبری در این دیدار به دانشجویان اطمینان داد با انتقال دغدغه‌ها و مشکلات آنها به مسئولان دانشگاه درصد رفع آنها تلاش کند. لازم به ذکر است مسئول نهاد در هیئت رئیسه و نیز در شورای دانشگاه با ذکر مشکلات، از مدیریت دانشگاه خواستار رسیدگی به آنها شد و مسئولان قول‌های مساعد جهت پیگیری و اقدام سریع برای رفع مشکلات ذکر شده داده‌اند.



مشکلات شدند. آیین‌نامه، لزوم اتمام دوره همچون تقاضا برای بهبود وضعیت اتاق‌ها تحصیلی با چهار نیمسال در کنار مباحثی و سالن مطالعه از مهمترین مشکلات مطرح

حجت‌الاسلام دکتر فلاح‌رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از خوابگاه کوثر بازدید کرد و به گفتگو با دانشجویان این خوابگاه پرداخت.

در این دیدار که با حضور مدیر اجرایی نهاد، امام جماعت و نماینده نهاد در خوابگاه‌ها همراه بود دانشجویان حاضر در نمازخانه خوابگاه، در فضایی صمیمانه ضمن قدردانی از امکانات رفاهی و فرهنگی فراهم آمده به مشکلات خوابگاه نیز اشاره کرده و خواستار رفع این



۱۶ آذر روز دانشجوی گرامی باد

فرا رسیدن روز دانشجو، روز تأکید بر اهمیت علم‌آموزی و لزوم حقیقت‌جویی، روز تأکید بر لزوم تقویت ایمان و اهمیت افزایش بصیرت سیاسی و معرفت‌دینی بر تمامی دانشجویان مؤمن و پر تلاش ایران اسلامی گرامی باد.

### رتبه «برگزیده» دانشگاه در جشنواره کشوری حرکت



آیین پایانی یازدهمین جشنواره ملی حرکت، هفتم آذر ماه سال جاری با حضور معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم و جمعی از مسئولان در اصفهان برگزار شد و دانشگاه تربیت مدرس ضمن کسب ۹ جایزه دانشجویی برای نخستین بار به عنوان دانشگاه برگزیده در حوزه انجمن‌های علمی دانشجویی کشور معرفی شد.

در این جشنواره، انجمن‌های علمی - دانشجویی معماری و مهندسی عمران موفق به کسب رتبه اول در بخش مسابقه شدند و رتبه سوم در بخش محتوای دیجیتال و بخش نشریه به انجمن‌های علمی دانشجویی فلسفه و مکانیک بیوسیستم رسید.

انجمن‌های علمی دانشجویی جامعه شناسی، طراحی شهری، مهندسی عمران، سیناپس و محیط زیست نیز به عنوان انجمن‌های علمی دانشجویی، شایسته تقدیر کشور شناخته شدند و مورد قدردانی قرار گرفتند.

گفتنی است یازدهمین جشنواره ملی حرکت سوم تا هفتم آذر به میزبانی دانشگاه اصفهان برگزار شد.

دانشگاه تربیت مدرس پیش از این در سالهای ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نیز موفق به کسب دانشگاه «شایسته تقدیر» در حوزه فعالیت انجمن‌های علمی دانشجویی کشور شده بود.



نشریه چشمه کسب این موفقیت‌ها را به اساتید گرانقدر تبریک عرض می‌کند.

### درخشش عضو هیأت علمی دانشگاه در چهارمین جشنواره «نشان دهخدا»



داستانی قدیم عربی و مطالعه و بررسی سیر تحول آن قرار دهند.

این اثر، شامل یازده گونه داستانی شامل؛ داستانهای تاریخی و واقعی، داستانهای دینی، حکایت‌های صوفیه، داستانهای فلسفی، تمثیلی، ضرب المثلی، افسانه ها، قصه های تخیلی مناظره ای، قصه های عامیانه، مقامه نویسی و سفرنامه نویسی است.

سازمان سمت و انتشارات دانشگاه تربیت مدرس منتشر شد.

مؤلفان در این کتاب کوشیده اند به جای پیروی از روشهای مرسوم مطالعه تاریخ ادبیات عربی که بر پایه تحولات سیاسی، ظهور و سقوط سلسله ها و حکومتها و تقسیم بندی دوره های ادبی بر مبنای گاه شماری سیاسی است؛ زیربنای پژوهش خود را بر گونه شناسی ادبیات

بنا بر اعلام دبیرخانه جشنواره نشان دهخدا در چهارمین دوره ی این جشنواره، ۹۳۳ عنوان کتاب که از مهر ۱۳۹۶ تا مهر ۱۳۹۷ توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه های سراسر کشور در حوزه علوم انسانی منتشر شده است به دبیرخانه ارسال شد که از این تعداد ۵۷۵ اثر حائز شرایط جشنواره شناخته شدند. از مجموع آثار یاد شده طی سه دوره داوری ۶۲ اثر به مرحله نهایی راه یافتند که در نهایت ۳ اثر در حوزه ادبیات فارسی، روانشناسی و مدیریت دولتی به عنوان برگزیده، ۱۳ اثر در حوزه های مختلف علوم انسانی شایسته تقدیر و یک اثر نیز در بخش قلم برتر معرفی شدند.

گفتنی است کتاب «ادبیات داستانی قدیم عربی؛ گونه شناسی و تحلیل عناصر داستانی» تألیف مشترک دکتر خلیل پروینی عضو هیأت علمی دانشگاه و دکتر هومن ناظمیان عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی در ۵۷۶ صفحه به صورت مشترک توسط

### عضو هیئت علمی دانشگاه در میان برترین محققان پراستناد سال ۲۰۱۸



علم را کسب کنند. سند سیاست‌های کلان علم و فناوری جایگاه ویژه‌ای برای نخبگان علمی در نظر گرفته است که علت آن را باید در این واقعیت جستجو کرد که میزان پیشرفت یک نظام علمی وابستگی زیادی به نخبگانی دارد که به نحو شایسته‌ای به خدمت گمارده شده باشند. برخی کشورها برای جذب نخبگان علمی برنامه‌های عملیاتی ویژه‌ای دارند. نگاهی به ملیت اصلی برندگان جوایز علمی این واقعیت را نمایان می‌کند که بخش قابل ملاحظه‌ای از این برندگان، نخبگان مهاجر هستند.

بیش از دو برابر رسیده است.

دهقانی ادامه داد: لازم به ذکر است که در بین پژوهشگران پراستناد منتشر شده، پژوهشگرانی با بیش از یک وابستگی سازمانی وجود دارد که این امر به معنای این است که این افراد پژوهش‌ها و تولیدات علمی خود را با وابستگی دو و حتی سه دانشگاه عنوان کرده و بنابراین نام آنها در بیش از یک کشور مشاهده می‌شود.

وی در ادامه گفت: پژوهشگران برگزیده بیش از آنکه با کمیت تولید علمشان شناخته شوند، با کیفیت تولیدات علمی شان شناخته می‌شوند. این گروه از پژوهشگران توانسته‌اند مرجعیت دنیای

دکتر محمدجواد دهقانی، سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) (در گفتگویی اظهار داشت: پایگاه استنادی وب آو ساینس (WOS) هر ساله فهرست پر استنادترین پژوهشگران دنیا را در فرآورده‌ای به نام پژوهشگران پر استناد (Highly Cited Researchers) منتشر می‌کند. در این فهرست پژوهشگران تاثیرگذار در سطح دنیا که با دریافت میزان استناد بالا، نقش پر رنگی در انتقال علم و دانش در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کنند، مشخص و معرفی می‌شوند. این فهرست تنها مقالات پراستناد در مجلات حوزه علوم و علوم اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در پایگاه وب.آو.ساینس در بازه زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۶ منتشر شده و مورد استناد قرار گرفته‌اند. این مقالات از پایگاه شاخص‌های اساسی علم (ESI) Essential Science Indicators استخراج می‌شوند و تنها درصدی از نویسندگان برتری که دارای مقاله در این پایگاه باشند، در فهرست نویسندگان پراستناد ظاهر می‌شوند.

وی افزود: در لیست منتشر شده از پراستنادترین دانشمندان جهان، از کشور ایران نام ۱۶ پژوهشگر دیده می‌شود که نسبت به تعداد دانشمندان پراستناد در سال ۲۰۱۷ این تعداد به

## ربات هپتیک در دانشگاه طراحی و ساخته شد



با انجام طراحی جزئی و تحلیل نیرویی، عملگرهای مناسب از موتورهای متناوب سرو و برای این سیستم انتخاب گردیدند.

مجری طرح در پایان تصریح کرد: یکی از اهداف سیستم رباتیک کاهش بار کاری جراح است که در این راستا الگوریتم کنترلی برای جبران وزن بازوها و ابزار پیاده سازی شد. با اندازه گیری نیروی دست جراح نشان دادیم که در حرکت آزاد ابزار در فضای کاری ربات به دست جراح نیروی ناچیزی وارد می شود و نیروی گرانش جبران سازی شده است. یکی دیگر از توانایی های در نظر گرفته شده برای این سیستم رباتیک ایجاد دیواره مجازی در فضای کاری است که جلوی نفوذ ابزار و صدمه به بافت نرم زیر استخوان جمجمه را بگیرد. نتایج نشان می دهد که در برخورد نوک ابزار با دیواره حداکثر نیروی موتور به دست جراح وارد شده و کنترلر به خوبی از نفوذ ابزار به ناحیه غیرمجاز ممانعت کرد.

گفتنی است این پژوهش با راهنمایی دکتر مجید محمدی مقدم عضو هیأت علمی دانشکده مهندسی مکانیک انجام شده است.

محمدرضا دهقانی مجری این طرح تحقیقاتی در خصوص اهمیت استفاده از سیستم های رباتیک در جراحی گفت: استفاده از سیستم های رباتیک در جراحی به دلیل خصوصیتی همچون دقت بالا، خستگی ناپذیری و عدم اشتباه روز به روز رو به افزایش است. به طور ویژه، این سیستم ها در جراحی بر روی بافت استخوانی به دلیل ثابت بودن و عدم تغییر شکل و امکان برنامه ریزی پیش از عمل مناسب هستند.

دانش آموخته دانشگاه اضافه کرد: در مراحل بهینه سازی مکانیزم فعال، مدل سه بعدی از مجموعه و تکه های استخوان بریده شده در جراحی های مختلف تهیه شد. فضای کاری هدف استخراج شده به همراه پارامترهای سینماتیکی مناسب برای امتیازدهی به طراحی های مختلف و انتخاب طراحی بهینه استفاده شد. مکانیزم موازی انتخاب شده از خواص مرکز آبی دوران خارجی بهره می برد. با قرار دادن مرکز آبی دوران مکانیزم بر روی کره محیطی به تکه استخوان، ابزار تقریباً همواره بر سطح استخوان عمود باقی می ماند. معادلات سینماتیک و ماتریس ژاکوبی ربات به صورت تحلیلی استخراج و توسط شبیه سازی نرم افزاری صحه گذاری شدند.

خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. سوره بقره، ۲۱۱

جردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید. اگر فقیر و تنگدست باشید، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. سوره بقره، ۲۱۱

**ثبت نام جشن ازدواج دانشجویی سال ۱۳۹۷**

مرامجه به سامانه Ezdevaj.org و انجام مراحل ثبت نام  
 دوره آموزش مجازی به همراه جوایز ارزنده  
 ارائه مدارک ثبت نام به دفتر نهاد دانشگاه  
 سه روز اقامت در مشهد مقدس به عنوان هدیه ازدواج  
 مراسم جشن ازدواج سفره ای عقد دانشجویی، هدایا و ... (مبتعاباً اعلام می شود)  
 عضویت در کانال @nahadtmu جهت اطلاع از برنامه ها و حرکت کاروانها

دانشجویان مزوج واجد شرایط جهت کسب اطلاعات بیشتر و ارائه مدارک به دفتر نهاد واقع در دانشکده علوم پایه مراجعه و یا با شماره های ۸۲۸۸۳۱۲۵ و ۸۲۸۸۴۰۷۹ تماس حاصل نمایند.  
 @nahadtmu  
 نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس

## گاهی خلاف جهت آب شنا کن!



اَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ  
 سوره هود: آیه ۴۰  
 حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

(نر و ماده) با جمیع خانوادهات- جز آن (بسرت کنعان و زنت) که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته- و هر که ایمان آورده همه را در کشتی سوار کن (که از غرقاب برهند). و گروهیگان به نوح عده اندکی بیش نبودند.

سوره اعراف: آیه ۷

بر سر فرد خواهد آمد؟ یا بهتر است بپرسیم سودمندی فرد در چیست؟ اگر بخواهیم منطقی نگاه کنیم، فرد باید یاد بگیرد در هر جامعه ای بتواند به اصطلاح «گلیم خود را از آب بیرون بکشد» اما با چه روشی؟ با هم رنگ جماعت شدن، یا زیر پا گذاشتن دیگران و خود را بالا کشیدن یا خلاف جهت آب شنا کردن. برای پاسخ بهتر است به آیات زیر توجه کنیم:

«ای اهل ایمان) از آنچه از خدایتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید و پیرو دستوره های غیر او نباشید و جز خدا را به دوستی مگیرید. اما (عده) اندکی بدین پند متذکر می گردید.»  
 «نوح به ساختن کشتی و قوم به تمسخر پرداختند) تا وقتی که فرمان (قهر) ما فرا رسید و از تنور آتش آب بجوشید، در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که از هر جفت حیوان دو فرد

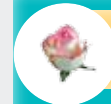
## الناز عارفی فر

کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس



در فلسفه های تربیتی، فلسفه ای داریم به نام پراگماتیسم یا عمل گرایی، براساس این فلسفه، تربیت با تجربه هایی که آدمی با آن مواجه می شود، در عرصه عمل رخ می دهد، یعنی اگر نتیجه عملی، در موقعیتی برای فرد داری سودمندی بود ممکن است همان عمل در موقعیت دیگر موجب ضرر شود، پس خوبی عمل یا تکرار عمل بستگی به نتیجه آن دارد. طبق این نظریه اگر فرد راست بگوید و نتیجه آن پاداش باشد و در جامعه نیز همین رخ دهد، پس راستگویی برای او یک عادت می شود، حال اگر بخواهیم چنین تجربه ای را در جامعه ای کنونی داشته باشیم، چه

## در سوگ دختران حوا



مریم پرسته زاد

دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه تربیت مدرس



۲۵ نوامبر (مصادف با ۴ آذر) را به عنوان روز جهانی «رفع خشونت علیه زنان» نامیده‌اند، از آن رو که ۵۸ سال پیش در چنین روزی سه دختر از چهار دختر خانواده‌ی میرابال به نام‌های پاتریا، مینتروا و ماریا به علت مخالفت با دیکتاتور معروف دومینیکن (تروخیو) و شرکت در فعالیت‌ها و مبارزات مخفیانه علیه رژیم به قتل رسیدند!

در سال ۱۹۹۹ بود که مجمع عمومی سازمان ملل به افتخار این سه خواهر ۲۵ ام نوامبر را روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرد.

در طول تاریخ پرفراز و نشیب بشر جنبش‌ها، یادبودها و فعالیت‌های علنی و غیرعلنی بسیاری در حمایت از حقوق زنان و حفاظت از ایشان در برابر گزفهمی‌ها و نابرابری‌ها صورت گرفته‌است؛ اما سوال اصلی این است: با وجود گذشتن سالیان دراز از عمر مبارزه در برابر ظلم و تجاوز به حق زنان آیا امروز در دهکده‌ی کوچک جهانی‌مان «زن» به عنوان نوعی از بشر جایگاه والا و انسانی خویش را باز یافته است یا نه؟!

بر کسی پوشیده نیست که آمریکا و بسیاری کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و انگلیس خود را بزرگترین مدعیان حقوق بشر می‌دانند و اغلب جنبش‌های حمایتی از حقوق زنان نظیر فمینیسم و حق رأی و شهروندی در این کشورها متولد شد و رشد یافت. اما باید دید حقیقت وضعیت زنان در چنین کشورهایی به چه شکل است؛

آمارها نشان می‌دهد سوئد - بعد از آفریقای جنوبی - رتبه‌ی دوم تجاوز جنسی را دارد. در این کشور از هر ۴ زن یکی مورد تجاوز قرار گرفته‌است!

آمریکا در مقام سوم قرار دارد. یک زن از هر ۶ زن آمریکایی در طول عمر خود مورد تجاوز قرار می‌گیرد! دردناکترین بخش این آمار آنجاست که مشخص می‌شود تعداد تجاوزات ثبت شده در دانشگاه‌های این کشور از زندان‌های آن بیشتر است؛ بیش از یک چهارم دختران دانشجو در محوطه‌ی دانشگاه‌های آمریکا مورد تجاوز جنسی واقع شده‌اند!

انگلیس هم نقشی پررنگ در آمارها دارد. براساس گزارش وزارت دادگستری این کشور در سال ۲۰۱۳ حدود ۸۵۰۰۰ تجاوز به ثبت رسیده است که ۷۳۰۰۰ فقره از آن به زنان و دختران بوده‌است.

نام کشورهای نیوزلند، کانادا، دانمارک و فنلاند نیز در میان آمارها جزء ۱۰ کشور نخست به چشم می‌خورد.

در فهرست انواع خشونت‌ها علیه زنان شاید تجاوز و آزارو اذیت جنسی پرحاشیه‌ترین اخبار باشد اما خشونت‌های دهشتناک‌تری هم هستند که توجه کمتر کسی را جلب می‌کنند!

آمارها نشان می‌دهد زنان و کودکان در جریان جنگ‌ها و حملات نظامی اولین و پرشمارترین قربانیانی هستند که جان، سلامتی یا کیفیت زندگی خود را به واسطه‌ی از دست دادن همسر یا عزیزان خویش از دست می‌دهند.

شاید بهتر بود سازمان ملل به جای اکتفا به نام آن سه خواهر - که در جای خود حرکتی قهرمانانه در مبارزه با ظلم انجام دادند - از تمام زنان و کودکانی که در خلال سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ (جنگ اول جهانی)، سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ (جنگ دوم جهانی)، جنگ ویتنام، بوسنی، فلسطین و همچنین طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم (ایران و عراق) بی‌گناه کشته یا زخمی شدند نیز یاد می‌کرد. و یا در کنار نام آن سه تن - به عنوان مبارزین انقلابی - از هزاران زن و دختری بی‌گناه دیگر که در زندان‌های رژیم پهلوی مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفتند نیز نام می‌برد. زندان‌هایی که مسئولین و شکنجه‌گران آن دست‌پرورده‌ی مریبان و معلمینی از CIA و موساد بودند.

چه آن که تنها نام بردن، یادآوردن و نامگذاری روزهای تقویم ملاک و معیار مناسبی برای نشان دادن حمایت سازمان‌ها و دولت‌ها از حقوق اقشار و گروه‌ها و احترام به حق ایشان نیست!

سازمان ملل می‌توانست برای جلوگیری از اعمال خشونت‌های بیشتر علیه زنان و کودکان، خدمه یا حداقل افسر آمریکایی مسئول عملیات پرتاب موشک به هواپیمای مسافربری ایران ایر، ویلیام راجرز، را تحت پیگرد قرار داده و محاکمه کند.

می‌توان گفت بزرگترین عاملان خشونت علیه زنان در جهان ما حامیان سیاست‌های لیبرالیست ای هستند که در هر جا و به فراخور منافع خود دست به کشتارها و قتل‌عام‌ها و لشکرکشی می‌زنند و سپس در کمال وقاحت پشت تریبون‌های بین‌المللی می‌ایستند و دم از مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر می‌زنند!

برای سوددهی در سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت‌های کلان خود در کمپانی‌های تولید لوازم آرایشی و شرکت‌های دارویی با استفاده از هالیوود و سایر رسانه‌ها زن ارزشمند را زن زیبا و خوش‌اندام جا می‌زنند و با روح و روان زنانی که به طور طبیعی از زیبایی ظاهری برخوردار نیستند بازی می‌کنند. زن خیانت‌کار را زن موفق جا می‌زنند و او را ترغیب می‌کنند تا از ازدواج و فرزندآوری که بهترین روش

زندگی برای حفظ سلامت جسم و روان اوست دوری کند و پس از دور کردن زنان از خانواده از ایشان برای کامیابی و لذت‌جویی‌های پست استفاده می‌کنند. برهنگی که در مخالفت با فطرت طبیعی بشر و برخلاف قوانین و دستورات تمامی ادیان ابراهیمی و حتی غیرابراهیمی نظیر زرتشتی است را با نام آزادی‌های مدنی رواج می‌دهند و با سرگرم کردن این نیروی عظیم انسانی به پوشش داشتن یا نداشتن، وی را از حیطه‌های اساسی و مهم پیشرفت بازمی‌دارند. بازی بی‌سرانجام مُد و Fashion را به راه می‌اندازند و با عقب‌افتاده نامیدن زنان و دخترانی که همراه با مُد زندگی نمی‌کنند پول‌های هنگفت به جیب کمپانی‌های تولید و طراحی لباس و کفش سرازیر می‌کنند. و مگر تمام اینها یک جنگ ذهنی و روانی خشن بر علیه زن و سوءاستفاده از عواطف و احساسات او نیست؟

دختران جوان را با بی‌رحمی تمام در پست‌ترین لایه‌های انسانیت که همان ظواهر و مادیات است نگاه می‌دارند و فرصت ازدواج‌های سالم، زندگی‌های شاد و بدون دغدغه‌ی جدایی و نیز لذت غیرقابل جایگزین مادرشدن را از آنها سلب می‌کنند.

نمی‌دانم باید از قانونی بودن کسب درآمد از فاحشگی و خرید و فروش زنان به عنوان برده و در مقابل غیرقانونی بودن حجاب در کشوری نظیر فرانسه

## آموزش بهداشت در خوابگاه



معصومه ابادری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس



با نام تراژدی یاد کرد یا کم‌دی؟ اما می‌دانم اجبار زنان به برهنگی در برخی کشورهای اروپایی نوعی اعمال خشونت بر ضد ایشان است که برای دست‌یابی به اهداف سیاسی نظیر اسلام‌هراسی اعمال می‌شود. حال آن که دین مبین اسلام بیش از هر دولت، سازمان یا NGO ای که امروز داعیه‌ی حقوق بشر را دارد به زنان و نه تنها حقوق که حتی عواطف و احساساتشان احترام گذاشته است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): بهترین شما کسانی هستند که بهترین سرپرست و محافظ برای زنان و دختران خود باشد (مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۵۵).

امام علی (علیه السلام): در برخورد با زنان خود و کسانی که از شما ضعیف‌ترند، از خداوند بترسید که او شاهد و ناظر بر عمل شماست (نهج‌البلاغه، وصیت‌نامه).

امام علی (علیه السلام): زن مانند گل لطیف و حساس است نه مانند کارگذار خشن و قوی. در هر حال با او خوش‌رفتاری و مدارا کنید تا زندگی بر شما شیرین شود (وسائل، ج ۱۴، ص ۱۱).

اینها تنها نمونه‌هایی آشنا و پرتکرار از توصیه‌های پیامبر و ائمه‌ی اطهار به شیوه‌ی تعامل و رفتار با زنان است.

امروز جهان بیش از هر زمان دیگری محتاج بازنگری در قوانین و جامعه‌ی عمل پوشاندن به شعارهای زیبا و فریبنده‌ایست که ظاهری جذاب و عوام‌فریب اما باطنی تهی و متروک دارند.

۲۵ نوامبر سالروز یادآوری نام تک تک زنان و دخترانی است که به ناحق کشته شدند، مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و به هر نحوی کیفیت زندگی‌شان را به عنوان یک انسان را از دست دادند. روح لطیف‌شان را صاحبان کمپانی‌ها و ابررسانه‌ها دزدیدند و جسم نازک‌شان بی‌سرپناه و تنها ماند و زخمی شد.

تنها به این دلیل که سیاست‌گذار نبودند و یا چاه نفت نداشتند، در وضع قوانین و اعلان‌های جنگ و پیمان‌های صلح شرکت داده نشدند.

تمام خواهران تمام شده‌ام در ایران، افغانستان، عراق، فلسطین، بحرین، یمن، سوریه، بوسنی، و جای جای خاک اروپا و آمریکا از روزی که حوّا پا به زمین نهاد ...

نکات اصلی تامین بهداشت روان در خوابگاه:

- \* افراد را بدون قید و شرط بپذیرید.
- \* تعصبات قومی و قبیله‌ای خود را کورکورانه نشان ندهید.
- \* نگرش مثبت خود را تقویت کنید.
- \* شعاع عشق و محبت خود را به اطرافیان‌تان گسترده‌تر کنید.
- \* رعایت حقوق دیگران را جزو باورهای اساسی خود قرار دهید.
- \* در تغییر دادن دیگران تلاش نکنید.
- \* از جر و بحث‌ها و جدل‌های بی‌هوده پرهیز کنید.
- \* در غم و شادی دیگران شریک باشید.
- \* با دیگران احساس بیگانگی نکنید، آنان را بخشی از وجود خود تلقی کنید.

\* به صورت دسته‌جمعی فعالیت‌های مثبت و جمعی را برای داشتن روحیه شاد، انجام دهید مانند بازدید از مکان‌های تاریخی و تفریحی، کوهنوردی، طراحی و اجرای تئاتر، برگزاری مسابقه‌ی دسته‌جمعی، ورزش کردن در صبح، پیاده‌روی و ... کارهایی که روحیه جمعی را تقویت و گسترده‌تر می‌کند.

ادامه دارد ...

زندگی بشر از ابتدای خلقت به صورت اجتماعی بوده است. خداوند این شکل از زندگی را به عنوان گزینه در وجود انسان به ودیعه گذاشته است؛ اما این زندگی اجتماعی از ابتدای پیدایش تاکنون دستاورد تغییرات بسیار گسترده‌ای بوده است که امروز شکل بنیادین آن احاطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مانند اینترنت می‌باشد. همزمان با پیدایش زندگی جمعی اصول، قوانین و مقررات آن نیز به شکل پویا و خودجوش شکل می‌گیرد. نیازهای ضروری و مستمر مانند تهیه غذا، امکانات، آموزش، تامین امنیت، حقوق، بهداشت و سلامت تداوم زندگی جمعی را ممکن می‌سازد و بعد بهداشت و سلامت مهم‌ترین ضرورت هر اجتماع بوده و می‌توان آن را پایه و اساس ابعاد دیگر زندگی، تلقی کرد.

جامعه به عنوان گسترده‌ترین و بزرگترین زندگی جمعی، خود متشکل از اجتماعات خرد و کلان می‌باشند و یکی از آن اجتماعات بنا به ضرورت کسب دانش و علم، زندگی جمعی خوابگاهی است.

در این اجتماع تامین بهداشت و سلامت در بعد جسمی و روانی نسبت به ابعاد دیگر سلامت، تحت شعاع قرار گرفته است؛ زیرا افراد از گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی در یک مکان واحد با هم ادغام شده و زندگی اجتماعی خوابگاه را تشکیل داده‌اند. احساسات، رفتارها، باورها و نگرش‌های پیچیده و متفاوت شاید عرصه بهداشت روان را در این زندگی به چالش بکشاند. لذا مسئولان و آموزشیاران بهداشت، باید مسئولیت خطیر آموزش‌های بهداشت جسم و روان را در این حیطه و گروه اجتماعی بر عهده بگیرد.

## گاو صندوق اسرار خود باشیم ...



دلآرام

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس



می‌آمرزد زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید و از سوی هیچ کس یاری نشوید.»

در واقع تفاوت‌ها در نتیجه‌ی فاش کردن راز مگو با خالق یا بالعکس با هم‌نوع، بس شگفت‌آور و قابل تأمل است.

این (گفتن به خالق) باعث صعود به مراتب بالاتر است و آن (گفتن به هم‌نوع) باعث سقوط است.

این باعث عزت است و آن باعث ذلت.

این باعث رحمت است و آن باعث زحمت.

این باعث حرمت است و آن باعث خجالت.

و در کل این باعث زیبایی و سربلندی است و آن باعث زشتی و پستی.

بازگو کردن اسرار ناگفتنی یک آسیب اجتماعی هم در پی دارد و آن رواج کارهای اشتباه و عیس است. اگر تجربه‌ی افعال خفت‌زا و اشتباه که

زبان نکوهش و انتقاد دیگران به سمت خویش باز کند و در نظر دیگران خار شود. ولی هیچ‌گاه بعد از این تنبیه عذاب وجدان فرد فروکش نکرده که هیچ، حالا پشیمانی و عذاب وجدان دیگری نیز به دلیل رفتن آبرو اضافه می‌شود و شخص ارج و قرب خود را نه تنها در نظر دیگران از دست می‌دهد که همچنین نظر سوء اطرافیان باعث می‌شود شخص دیگر خودش هم برای خودش ارزش و احترام قبلی را قائل نباشد و این خودش نوعی سقوط است. همانطور که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: برملا کردن راز، مایه‌ی سقوط است.

ولی اگر فرد خطاکار، احساس پشیمانی و عذاب وجدان خود را در پیشگاه پروردگار خود بازگو کند و از خطای خود توبه کند، نه تنها در پیشگاه خداوند خوار نمی‌شود که هیچ، اتفاقاً برعکس خداوند به بندگان توبه کار ارزش و احترامی می‌دهد که بنده شرمندگی محبت خداوند می‌شود. خداوند در «آیه ۵۳ و ۵۴ سوره زمر» به بندگان خود می‌فرماید: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه‌ی گناهان را

می‌توان نتیجه گرفت که نگاه‌داری و حفظ اسرار به توان و نیرویی خاص نیاز دارد که اگر آن توان و نیرو نباشد کار سخت می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: کسی که در نگاه‌داری راز خود ناتوان باشد، در حفظ راز دیگران توانا نباشد. ای کاش بازی شجاعت یا حقیقتی که بین افراد رواج پیدا کرده و نتیجه‌ای جز شرمساری و سقوط ندارد، مشغولیت مطلوب دیگری به نام «خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری» رواج می‌یافت که بین بنده و خالقش صورت می‌گیرد که این امر نه تنها باعث آسیب نیست که صد البته باعث پیشرفت، عزت و آبروی بنده نیز می‌شود. شرافت انسان در پیشگاه خالق خود حفظ می‌شود. خود ارزشمندی شخص بالا می‌رود و نتیجه‌ی آن پیشرفت و صعود به مراتب بالای انسانیت است.

۲. احساس گناه و عذاب وجدان بعد از ارتکاب فعلی که خطاست، باعث می‌شود شخص به دنبال تنبیهی برای خود باشد تا شاید از شدت عذاب وجدان کاسته شود و این امر باعث می‌شود که فرد احساس عجز و ناتوانی در نگاه‌داری راز خود کند و اسرار خود را فاش کرده و از این طریق

هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خویش، خواه ناخواه اسرار مگو دارد که بایستی در نگاه‌داری آن کوشا باشد. به فرموده‌ی امام صادق (علیه‌السلام): حفظ آبروی مؤمن به اندازه خون او احترام دارد و ارزشمند است. به همین دلیل ما هم باید حرمت دیگران را با نگاه‌داری راز آنها رعایت کنیم و هم باید با حفظ راز خویش حرمتی که خداوند برای ما قرار داده را ضایع نکنیم.

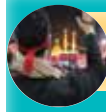
رازی که برای خود داریم یا اولاً خوشایند و مطلوب است که در این صورت اگر گفته شود، امکان دارد شنونده این مطلب را حمل بر خودستایی گوینده برداشت کند یا امکان دارد باعث حسادت یا حسرت فرد شنونده شود که این کار در خور ستایشی نیست. یا در حالت دوم راز فرد ناخوشایند است و مربوط به اسراری است که فرد سعی در پنهان کردن آن از دیگران دارد و اگر بازگو شود باعث خجالت و شرمساری شخص می‌شود.

گاهی دیده می‌شود افراد اسرار ناخوشایند و نامطلوب خود را بازگو می‌کنند تا با گفتن آن حال خود را بهتر کنند. برای مثال در بازی «شجاعت یا حقیقت» که بین برخی از افراد رواج پیدا کرده، افراد اسرار مگوی خود را با هم در میان می‌گذارند و خود را آسوده می‌کنند. مگر نه اینکه بازگو کردن آن راز، باعث خجالت می‌شود. پس دلیل بازگو کردن این اسرار چیست؟ و چرا گاهی باعث آسودگی می‌شود؟

**به چند دلیل افراد مرتکب این اشتباه می‌شوند:**

۱. فاش کردن رازها؛ از ضعف عزت نفس، حرمت نفس و سستی عقل ناشی می‌شود. اگر کسی برای خود ارزش و احترام قائل باشد، تمام تلاش خود را می‌کند اول؛ مرتکب خطایی نشود دوم؛ اگر مرتکب خطایی شد با مخفی نگه داشتن این راز از غیرخدا، سعی در حفظ حرمت و عزت خویش دارد و در این صورت شخص جز در پیشگاه خدای خود خجالت زده و شرمسار نیست. که البته رضایت خداوند هم در همین امر است. چون در هر صورتی خداوند می‌خواهد که آبرو و عزت بنده‌اش حفظ شود. پس

# مردگان متحرک



پیمان گودرزی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و اقتصاد معدنی دانشگاه تربیت مدرس



جزء اسرار ناگفتنی است، بین افراد بازگو شود، به مرور زمان این افعال نامطلوب در اذهان، با خنثی گرفته و امری معمول و گاه مطلوب تلقی می شود و باعث رخداد همین افعال ناپسند از سوی افراد شنونده نیز می شود و باعث پشیمانی و حسرت او نیز می گردد. و این چرخه ادامه می یابد که این امر متأسفانه در جامعه به وضوح قابل مشاهده است.

## برای مصونیت از افتادن در این چرخه چه باید کرد؟

نکته‌ی مهمی که در این امر مشخصا دیده می شود، توجه و دقت در نوع دوست یابی و میزان رفاقت است. شخصی که خودکنترلی بالایی دارد و در کل مسئولیت اعمال خویش را به عهده می گیرد، هیچ گاه نه خود گرفتار این چرخه می شود نه شخص دیگری را گرفتار این چرخه می کند و برای دوستی و رفاقت گزینه‌ی مناسبی است. چون هیچ گاه اسرار ناگفتنی خود را پیش دیگری فاش نمی کند و دیگری را وارد بازی چرخه ی سقوط از سرسره ی عزت و ارزشمندی نمی کند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: نسبت به دوست خویش هر مهربانی و هر خیرخواهی را می توانی انجام دهی، اما در یک امر محتاط باش و در نهایت اطمینان و اعتماد، اسرار را به او نگو.

رفاقت و دوستی عمیق به معنای این نیست که طرفین از همه ی اسرار و جزئیات هم مطلع شوند که برعکس رفاقتی سالم و عمیق است که طرفین نسبت به موارد آسیب رسان به همدیگر مطلع و آگاه باشند و همدیگر را در این امر مصون کنند. امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: دوست را به آن مقدار از اسرار آگاه ساز که اگر دشمننت هم آن را بداند، به تو زیان نرساند. شاید دوستت نیز روزی دشمن تو شود. در نتیجه چه خوب است که در هر زمان و مکانی پاسبان رازهای خویش باشیم و با این امانت داری، خود و دیگران را در بند مشکلات جبران ناپذیر گرفتار نکنیم.

امام علی (علیه السلام): راز تو در بند توست اگر آن را فاش کنی، تو در بندش خواهی بود.

چند وقتیست از خودم کراهت پیدا کرده ام، هر بار خودم را در آینه می بینم برای خودم فاتحه ای می خوانم، به این باور می رسم که ۲۲ سال است دارم خود را تشییع جنازه می کنم، سال هاست که جنازه خود را از این طرف به آن طرف می کشم.

## حرفم را قبول نداری؟

پس بخوان

مَنْ عَمِلَ صَاحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً

هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مومن است، خواه مرد باشد یا زن، او را به حیات طیبه زنده می کنیم.<sup>۱</sup>

اگر قرار است من به خود زنده بگویم پس اینها کیستند؟ کسانی که قرآن درمورد آنها می فرماید:

مَنْ كَانَ مِئتًا فَآخِيْنَئَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَّمْشِي بِهٖ فِى النَّاسِ

کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم که با آن میان مردم راه برود.<sup>۲</sup>

## اگر زنده ام، من نور می فهمم چیست؟

ومن يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا

و کسانی که از خدا و رسول اطاعت کنند، پس آنان همدم انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین هستند کسانی که خدا آنها را مورد نعمت قرار داده و چه نیکو رفیقانی هستند. (منظور زندگی با آن بزرگواران در همین دنیا است)

اگر این زندگی است که من می کنم، پس آن حیات اسمش چیست که در آن پیامبران و شهدا و ائمه اطهار همدم و رفیقت هستند و با آنها صحبت می کنی و با آنها زندگی می کنی و دائم با آنها به سر می کنی.

## می دانی من از نظر قرآن کیستم؟

بخوان

اِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تَسْمِعُ الصَّمَّ الدَّعٰءَ اِذَا وَاوٰا

مُدْبِرِيْنَ

تو نمی توانی به مردگان سخنی بشنوانی و یا به کران چیزی بشنوانی هنگامی که از تو روی می گردانند.<sup>۳</sup>

اِنَّ اللّٰهَ يَسْمِعُ مَنْ يَّشَاءُ وَ مَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِى الْقُبُوْرِ

خدا هر که را بخواهد شنوا می سازد و تو آن کس را در گورستان است نمی توانی شنوا کنی<sup>۴</sup>

## حال حق دارم برای خودم فاتحه بخوانم؟

تا کی باید درد یک مرده متحرک بودن را تحمل کنم؟

هر چند که صبح بیدار بشوم و به سر کار بروم و مسجد بروم و نماز بخوانم و میان مردم زندگی کنم، این تشییع جنازه چند سال قرار است طول بکشد؟

مگر اینکه ارباب نظری کند و همت زنده شدن را بدهد، تا همت کنم و توسل و توکل، تا زنده شوم و بشنوم و ببینم و بگویم چیزهایی که تا الان ندیده ام و نشنیده ام و نگفته ام.

منابع:

۱. (نحل/۹۷)

۲. (انعام، ۱۲۲)

۳. (نمل ۸۰)

۴. (فاطر/۲۲)

# دیپلمات زبل



احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه  
تربیت مدرس

مساوی می‌خواهیم تحریم‌ها برداشته شود و پول‌های بلوکه شده به ما برگردد! مردم رفاه می‌خواهند! حتی آب خوردنشان به این توافق گره خورده است! در آخر هم قسم حضرت عباس خوردیم و گفتیم: خزانه‌ی مملکت را شسته رفته و خالی از دولت قبلی، تحویل گرفته‌ایم حالا لطفاً با این همه بدبختی دست از سر ما بردارید!

جک استراو گفت: حرص نخور و بی‌خیال باش! می‌خواهند جلوی توافقی را که «راه دررو» دارد بگیرند.

گفتم: می‌دانم جکی جان! در سیاست همیشه باید همراه گله حرکت کنی چون همین که از خودت سستی نشان بدهی و معلوم شود که زخمی شده‌ای، بقیه‌ی گرگ‌ها بر سرت می‌ریزند! در جایی خوانده‌ام که سیاستمدار خوب همان قدر غیر قابل تصور است که راهزن شرافتمند!

جک استراو وقتی دید که کار به گوشه و کنایه رسیده است، تشکر کرد و گفت به زودی تو را در تهران می‌بینم و خداحافظی کرد.

## فدریکا موگرینی

وقتی وارد جلسه شدیم، جشن و سوروساتی برپا بود. فدریکا موگرینی وسط ایستاده بود و شعر خربرت و خربرت و خربرت را می‌خواند و بقیه هم گرد او می‌چرخیدند و این شعر را تکرار می‌کردند. من کنار جان کری قرار گرفته بودم. این گردن دراز دیلاق یک دفعه سرش را پایین آورد و در گوش من گفت: دیپلماسی، «نازی، نازی، سگ مامانی» گفتن است تا وقتی که سنگ و کلوخی به دست بیاوری! گفتم: می‌دانم جان! سیاست مثل رحمت بی‌پایان پروردگار عالم، آخرین راه چاره است! سیاستمدار لیبرال، بلند نظر تر از آن است که در دعوا طرف خودش را بگیرد! اصلاً هنوز دعوا شروع نشده باید اتاق را ترک کند.

## تغییر آرایش بازی

در همین لحظه موگرینی آرایش بازی را تغییر داد و گفت: حالا نوبت به بازی کلاغ پر رسیده است. بعد انگشت خود را روی میز گذاشت و از همه خواست که همان کار را انجام دهند و گفت:



هتل از او می‌پرسند که این جا چه کار می‌کنی؟ می‌گویند: آمده‌ام موز بردارم!

## راستی آزمایی

در سالن انتظار هتل نشسته بودم و دستور کار جلسه را مرور می‌کردم که جک استراو وزیر سابق بریتانیا زنگ زد و گفت: می‌خواهم یادآوری کنم که در پیمان سعدآباد قول دادید که گاز دهی در سانترفیوژهای نطنز را در راستای راستی آزمایی و اثبات صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای به صورت تعلیق درآورید. ما هم قول دادیم که پرونده شما را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع ندهیم. یک وقت زیرش نزنید!

## یک توافق خوب

گفتم: خاطر من هست. ما می‌خواهیم به یک توافق خوب برسیم. برد برد و

سلام! من دیپلمات زبل هستم. زبل خان دیپلمات! منحصر به فرد، خوش‌تیپ، خنده‌رو، عشق مذاکره، غریب نواز، عین هلو، بذله‌گو، رسانه‌ای! به جز زبل خان هیچ کس با زبان دنیا آشنا نیست! طلسم خنده‌های جادویی زبل خان هر چهره عبوسی را مثل گل باز می‌کند! زبل خان اینجا، لوزان، وین، ژنو، آمریکا! زبل خان همه جا!

وای خدای مهربان! چه می‌بینم؟ جان کری، وزیر خارجه‌ی عموسام سوار بر دوچرخه این جا چه کار می‌کند؟ اوه...! بهتر است تا دیر نشده دنبالش بدم و وسط راه مذاکره را شروع کنم!

جان...! جان...! یک دقیقه به حرفم گوش کن! ببین ما می‌توانستیم مسئله هسته‌ای را در زمان بوش حل و فصل کنیم ولی حرف مرا باور نکردید، وقتی گفتم ایرانی‌ها به فشار حساسیت دارند، بوش با اصرار به ما گفت که باید غنی‌سازی را به کلی رها کنید. حالا یک بار دیگر احساس نیاز می‌کنم و هشدار می‌دهم که بازی شاهین - قمری به امید گرفتن امتیاز در لحظه آخر، نمی‌تواند نتیجه‌ای بهتر از گذشته بدهد.

جان کری: اوه تو این جایی؟! حالا چرا این قدر نگرانی؟ مگر کشتی هایت غرق شده است؟ یادم باشد به اوپاما یادآوری کنم تا عید نوروز را به شما ایرانی‌ها تبریک بگویند. ما غربی‌ها آدم‌های مهربانی هستیم، فقط حرف نمی‌زنیم عمل هم می‌کنیم؛ ببین چه طور مجانی تاحالا برای شما ۲۸۰ شبکه‌ی ماهواره‌ی فارسی زبان به راه انداخته‌ایم؟! آیا این کم چیزی است؟ حتماً با مردم شما به تفاهم می‌رسیم. حالا هم از جلوی راهم برو کنار تا موازنه‌ی دنیا به هم نخورد! اگر یک جا بایستیم، یک طرف زمین سنگینی می‌کند و کار دست همه می‌دهد!

## مذاکره‌ی با زبل خان

از این حرف کری خنده‌ام گرفت. یک لحظه از شدت شعف پلک‌هایم روی هم افتاد. تا چشم باز کردم، شیطان بلا از سر مزاح، کارت اعتباری صد و بیست میلیارد دلاری و سند بنیاد علوی را از جیبم زده بود و نفهمیدم که چه طوری و از کجا غیبش زد. به نظرم عصبانی بود که این کار را کرد،

لابد در مذاکره کم آورده بود، کلینتون هم مثل کری عشق این کار بود و هر جا دعوت می‌شد، قاشق و چنگال کف می‌رفت. سیاستمداران آمریکایی شخصیت جالبی دارند، با جان کری و جان بولتون قهوه خورده‌ام. طوری حرف می‌زنند که آدم خیال می‌کند با عیسی مسیح (علیه‌السلام) هم صحبت شده است اما به عمل که برسد، دست کمی از چنگیز مغول ندارند! از هر راهی باید شرشان را کم کرد! برای جان کری یک کتاب مینیاتور و برای وندی شرمن معاونش هم دو تخته قالی نفیس ابریشمی هدیه می‌برم. این هدایا می‌تواند حالشان را خوب کند!

به وین که رسیدم، شنیدم که بنیامین نتانیاهو از در پشتی هتل کوبورگ خودش را به میز تیم مذاکره‌کننده غربی آمریکایی رسانده است؛ کارکنان





## دعوت به همکاری

نشریه چشمه از دانشجویان خوش ذوق و صاحب قلم دعوت به همکاری می‌نماید. علاقمندان می‌توانند دیدگاه‌ها، افکار، تجربیات، برداشت‌ها و پیشنهادات خود در قالب‌های گزارش، طنز، شعر، داستان، دلنوشته‌ها و کاریکاتور ارسال نمایند. برای ارسال، از هر راه ارتباطی می‌توانند استفاده کنید، هم ایمیل داریم و هم در شبکه اجتماعی حاضریم، اگر تشریف بیاورید، در گروه نویسندگان چشمه هم پذیرتان خواهیم بود. برای شماره آتی، منتظران هستیم ...



غنی سازی بیست درصد پرا! همه گفتند: پرا! و من انگشت خودم را به حالت تسلیم بالا بردم. سانترفیوژ پرا! همان کار تکرار شد. آب سنگین اراک پرا! تکرار کردیم. فردو پرا! آن قدر تکرار کردیم تا انرژی هسته‌ای که حق مسلم ما بود؛ پرپر شد و به هوا رفت!

وقتی به خود آمدم، دیدم وندی شرمین اشک شوق می‌ریزد. نگاه کردم و دیدم که جعبه ی دستمال کاغذی روی میز خالی شده است. فهمیدم که در مذاکره موفق بوده‌ام.

## هدف ما از مذاکرات

جان کری در حالی که با خودکارش بازی می‌کرد، سینه‌ای صاف کرد و گفت: دیپلمات جماعت باید علاوه بر زبان بدن، دروغ‌گویی را هم بلد باشد و... هنوز صحبتش تمام نشده بود که ناگهان خودکار از دستش در رفت و به سینه‌ی معاونم خورد. چشمکی زد و عذرخواهی کرد و معاونم با عصبانیت خودکار را به طرفش پرتاب کرد و من با زرنگی بول گرفتم و گفتم: هدف ما از مذاکرات این بود که آمریکا بداند که هیچ‌گاه نباید یک ایرانی را تهدید کرد و باید با زبان تکریم با ایرانی‌ها صحبت کند. جان کری سری تکان داد و گفت: همین که دنیا قدرت کدخدایی و قاعده‌بازی و روش و منش و سبک زندگی ما را باور کند قانعیم. چون می‌دانیم خاکریزهایشان یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد. بعد برای عوض شدن فضای جلسه شروع کرد به تعریف جوک و لطیفه! از جمله اینکه شخصی پیش دخو رفت و گفت: دیشب شیطان را خواب دیدم و خیلی ترسیدم. دخو گفت: شیطان چه شکلی بود؟ گفت: مانند خرا! دخو به او گفت: اشتباه کرده‌ای، شیطان نبوده، از سایه‌ی خودت ترسیده‌ای!

وقتی این را شنیدم، کیف کردم و نیشم تا بناگوش باز شد و ریشه رفتم. وقتی چشم باز کردم، موگرینی گفت: بر سر همه چیز توافق شد جز اینکه پول هتل را چه کسی بپردازد. هزینه هتل

هدف ما از مذاکرات این بود که آمریکا بداند که هیچ‌گاه نباید یک ایرانی را تهدید کرد و باید با زبان تکریم با ایرانی‌ها صحبت کند. جان کری سری تکان داد و گفت: همین که دنیا قدرت کدخدایی و قاعده‌بازی و روش و منش و سبک زندگی ما را باور کند قانعیم. چون می‌دانیم خاکریزهایشان یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد. بعد برای عوض شدن فضای جلسه شروع کرد به تعریف جوک و لطیفه! از جمله اینکه شخصی پیش دخو رفت و گفت: دیشب شیطان را خواب دیدم و خیلی ترسیدم. دخو گفت: شیطان چه شکلی بود؟ گفت: مانند خرا! دخو به او گفت: اشتباه کرده‌ای، شیطان نبوده، از سایه‌ی خودت ترسیده‌ای!

هفتادوپنج میلیون دلار است، هر ملتی که در مهمان نوازی شهره‌ی عالم است می‌تواند پیشقدم شود. در ضمن تا این پول پرداخته نشود، مدیر هتل اجازه نمی‌دهد کسی این جا را ترک کند! وزیر خارجه چین و فرانسه هم صبح با گذاشتن کارت ملی فرار کرده‌اند. من که دیدم از ما مهمان نوازتر پیدا نمی‌شود، پذیرفتم. جان کری گفت: ناراحت نباش زبل‌جان! اگر یک وقت آتش گرفتی، خودمان می‌آییم و با بیل و کلنگ خاموش می‌کنیم! همه زدند زیر خنده و من باز ریشه رفتم. وقتی چشم باز کردم، دیدم متن توافق را جلوی رویم گذاشته‌اند و می‌گویند: انگشت بز و امضا کن! تو موفق شدی!

**توییت خبر توافق**

تنها مورد باقیمانده این است که چه کسی برای اولین بار خبر توافق را توییت کند. به هوا پریدم و نشستم و گفتم: من اول! من اول! گفتند به یک شرط که حکم دادگاه فدرال آمریکا مبنی بر پرداخت غرامت دو میلیارد دلاری از اموال بلوکه شده ایران به بازماندگان تفنگداران کشته شده آمریکایی در بیروت را بپذیری. من هم برای قبول آن شرط گذاشتم و گفتم به شرط آنکه دیپلماسی توییت در گینس به نام من ثبت شود. همه به اتفاق فریاد زدند: احسنت! باشد، می‌پذیریم! حالا بیش از سه سال از تاریخ توافق گذشته است و ترامپ وحشی آمده و زیر همه چیز زده است و من برای حفظ توافق، خودم را متهم به پولشویی کرده‌ام تا نتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم. با این وصف آیا این حق من نیست که مدال و جایزه ی صلح نوبل را دریافت کنم؟

## هدیه‌ی میهمانان خورشید کعبه به پیامبر مهربانی‌ها

داشتن ایمان و ادای به موقع فرایض و جلوگیری از گناه که این امر باعث خشنودی دل امام زمان (عج) باشد.

کاش گاهی دل می دانست چه ارزشی دارد، چه کند که نمی داند حالا که از این علم غافل و بی خبر است؛ گاهی دوست دارم اما او تمام ارزش‌ها و زیبایی‌های وجودی‌اش را به ارزشمندترین‌های عالم هدیه کند

ای خدای بزرگ تو را به نام پاک حضرت محمد(ص)، تو را به عزت جلال، هدیه من بوسه زدن خانه کعبه است و تنها آرزوی من، شفاعت تمام مسلمانان است.

تا جان و توان دارم حافظ و همراه و پیرو دین اسلام باشم. نمازهایم را به موقع بخوانم و به بندگان کمک کنم. نشر دهنده دین شما باشم.

بهترین هدیه بنده این است که فرمایشات ایشان را در زندگی هر چند کوچک انجام دهم تا از دست ما شیعیان که ادعا داریم، ناراحت نشوند

من را ببخش آنقدر گناه کرده ام که هیچ چیزی برای هدیه دادن ندارم روح ام را از من بگیر و من را خدایی کن

یا رسول الله: آنان چغیه می بستند تا بسیجی وار بجنگند. من چادر می پوشم تا زهرایی زندگی کنم.

من دوست دارم قلبم را که سرشار از عشق ایشان است هدیه کنم تا ایشان مراقب خوبی برای قلبم باشد.

شادی نوری

کارشناسی ارشد پتروولوژی دانشگاه تربیت مدرس



نمایش خورشید مکه به همت جمعی از دانشجویان خوش ذوق هیات محبین اهل بیت(ع) و کانون مهدویت نهاد رهبری در روز دوشنبه دوازدهم آذر ماه در سالن جابرین حیان برگزار شد. این برنامه که ویژه خواهران بود با کارگردانی خانم زینب شعبانی از دانشجویان دکترای مطالعات زنان و با نظارت خانم دکتر میرخانی هیئت علمی مطالعات زنان و حجت الاسلام یعقوب دلنواز با بررسی دقیق مسائل تاریخی و روایی و در حدود دوهفته تمرین شبانه روزی این گروه به معنای واقعی محب اهل بیت به نمایش در آمد. دکور جذاب و صحنه‌آرایی‌های ساده ولی هنرمندانه اهالی نمایش خورشید مکه که به خوبی توانسته بودند شادی و فرح خاصی را به تماشاچیان ببخشند حاکی از خلوص نیت و باور خاص این تیم بود. این نمایش در زمان کوتاه و با المان‌های ساده از زمان ازدواج پدر و مادر پیامبر تا میلاد رسول مهربانی‌ها حضرت محمد (ص) را به تصویر کشید و یکی از ویژه برنامه‌های طرح تحول راهبردی از طرف نهاد بود مسابقه، کلیپ و سخنرانی و پذیرایی خاص این میهمانی از جذابیت‌های این نمایش بود و نظرسنجی‌ها حاکی از رضایت، حمایت و درخواست مداومت بر اجرای این گونه برنامه‌ها بود. نشریه چشمه نیز از این دوستان حمایت کرده و خداقوت می‌گوید. منتظر درخشش روز افزون فعالیت‌هایشان در دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

## باران در راه است...

صدای قدم‌های کسی می‌آید؛ محکم و استوار؛ با صلابت و شکست‌ناپذیر؛ مصمم و بی‌تردید ... گام برمیدارد و هر لحظه جانی تازه می‌بخشد کالبد بی‌روح زمین را ... قدم‌هایی که می‌آیند تا مسیری را روشن کنند به وسعت بی‌کران ابدیت ...

زمین، مهمان مهربان‌ترین مخلوق خداست و زمان، بی‌حرکت، به نظاره شکوه آمدنش ایستاده است؛ و من، چه بی‌صبرانه چشم به راه قدوم مبارکی هستم که به شکرانه‌اش می‌شود هزار سال سر به سجده گذاشت ...

عیدی دل‌های بی‌قرارمان، سبز شدن دوباره جامه‌ی زمین باشد با قدوم مردی از تبار آفتاب ...



پیام‌آور مهربانی و عشق است و ارزش هر کس را به عیار انسانیت، محکم می‌زند!

## نازنین داراب زاده

دکتری تکنولوژی مواد غذایی دانشگاه تربیت مدرس

صدای قدم‌های کسی می‌آید ...

کسی که مثل هیچکس نیست ... او که باران از نگاهش بخشنده‌گی را وام دارد و زمین از سینه‌اش، رویاندن را ...

صدای قدم‌های کسی می‌آید؛ او که واژه واژه کلامش، آیه آیه آرامش است؛

او که دست‌هایش مرهم دارند برای گل‌زخم‌های نامهربانی‌ها و نگاهش، زلال بی‌کران اقیانوس‌هاست ...

ردای سبز عاشقی بر تن دارد و ترازوی عدالت در دست ...

## حضرت خورشید



یوسف فرخ زاد

دانشجوی دکتری علوم و مهندسی باغبانی



این همه دل با تو معطر شده  
بال و پرش سوخته پرپر شده  
گرد حرم گشته کبوتر شده  
تا به مدینه قلم اعجاز کرد  
پنجره ای سمت دعا باز کرد  
اشهد دوم به زبانم نشست  
باز خدا در دل و جانم نشست  
پر شدم از حس غزل‌های تو  
تازه خدا هم شده شیدای تو  
باز بخوان درد مرا چاره کن  
در هوس یک نظر آواره کن  
بعد همین بیت سبک‌تر شدم  
باز طیب آمد و بهتر شدم  
ذکر تو دائم شده کارم فقط  
هر چه که دارم ز تو دارم فقط

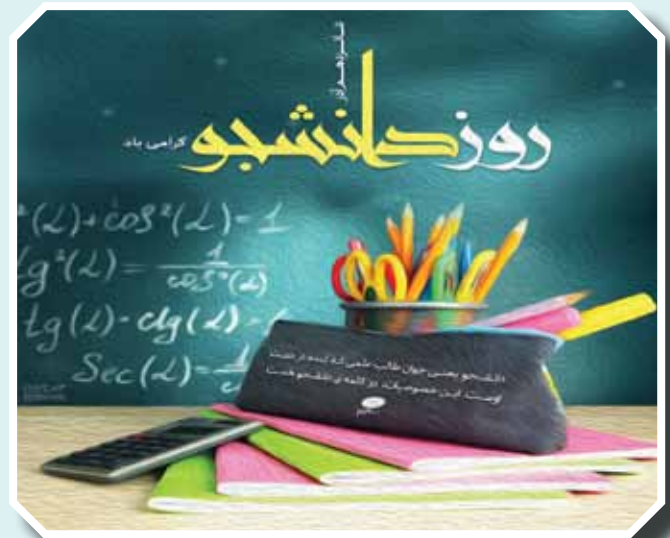
باز دلم بسته به یک موی توست  
عاشق چشمان غزل گوی توست  
یک گذر از عشق گریزان شدم  
دام بیاور که پشیمان شدم  
دین و دلم این همه را داده‌ام  
باز به دنبال تو افتاده‌ام  
هی! به کجا می‌کشیم مثنوی؟  
صبر کن آخر به کجا می‌روی؟  
عشق تو و عشق تو افسانه نیست  
جز تو کسی محرم این خانه نیست  
حضرت خورشید مرا نور زد  
سایه‌ی شب را همه هاشور زد  
باز بساط دل ما جور شد  
شکر خدا نور علی نور شد  
واژه بده تازه لبم تر شده

## و سالها بعد...



ن.د

دکتری تکنولوژی مواد غذایی دانشگاه تربیت مدرس



شد...

و برای ما، که دوران ناب دانشجویی را معنا بخشیدیم...

برایت عمر طولانی آرزو دارم

و پاییزهای فراوانِ پیش رو...

و لبخندی عمیق به ژرفای پاکی اندیشه‌ات

که به راستی "تو" مفهوم‌آینده‌ی زیباتر ایرانی....

روزت مبارک....

باز هم پاییز خواهد آمد...

باد، خاطرات مقدس دانشجویی مان را ورق خواهد زد و...

تو در اووووج خوشبختی، با افسوس به گذشته می‌نگری!؟

۱۶ آذر برای ما همواره بهاری خواهد بود...

برای ما، که بهترین سال‌های عمرمان وقف آموختن شد...

برای ما، که دانشگاه را خانه دوم که نه، به راستی خانه اول دانستیم...

برای ما، که لحظه لحظه‌ی خاطرات جوانی‌مان با بوی کتاب و قلم عجین



باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سر دبیر و دبیر تحریریه: مصطفی چراغی  
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی  
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



سال ششم، شماره شصت و نه نیمه اول آذرماه ۱۳۹۷ دسامبر ۲۰۱۸

# سفر به شهر



برویچه های تربیت مدرس هم که از تشکیل زندگی همین قدش رو یاد گرفتن. این توصیه سوژه ای رو از ما داشته باش نجیبی هم او می رود و هم تو پیر میشی از ما گفتن بود



رشته ای بر گردنم افکنده دوست و به زور منو توی این کوچه باغ های تربیت مدرس نگه داشته. اینجا باغبان های تربیت مدرس نیز خداقوت دارند



هم راه آشپزخونه دوره و هم اینکه می بریم می ذاریم آشپزخونه یادمون میره و تا حالا سه تا کتری سوزوندیم از اون بالاتر اینکه زودتر به جوش میاد



أحق و الانصاف بدون شرح



کمر ما دانشجوها که شکست وای به حال طبیعت



دیدم که میگم مدل اتو هم داشتیم بی خودی نخند این ها ابتکارات خوابگاهیه پیشنهاد بهتری داری بفرما



واقعا نمی فهمم دانشجوها با این همه ابتکار چرا یه جشنواره ابتکارات تو دانشگاه راه نمیندازین ولی خداییش این فقط برا ما دهه شصتی ها ذوق داره



اگه اینجوری نبود که تربیت مدرس قبول نمی شدم